

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

شبهانگ راد

۰۱ جولای ۲۰۱۳

چه کسانی در جنگ سوریه ذی نفع اند؟

بیش از دو سال و چند ماهی است که از نزاع دولت‌های امپریالیستی و دار و دسته‌هایشان در سوریه می‌گذرد. نزاعی که تاکنون هزاران قربانی گرفت، میلیون‌ها انسان را از خانه و کاشانه‌شان آواره نمود، زیر ساخت‌های جامعه را زیر و رو کرد و همچنان بر میزان خرابی‌ها و گشته‌ها می‌افزاید. شکی در آن نیست که راه‌اندازی چنین جنگ‌هایی برای قدرت‌های بزرگ جهانی همچون امریکا، انگلیس، المان، روسیه و غیره چندین سود دارد. پس زدن جناح‌های رقیب از منابع طبیعی جوامع تحت سلطه و غارت بیش از پیش دسترنج کارگران و زحمت‌کشان، پاسخ به بحران درونی، فروش تجهیزات و سلاح‌های رنگارنگ، تغییر و انطباق دولت‌های منطقه با سیاست‌های تازه امپریالیستی تحت عنوان "برقراری نظم نوین جهانی"، به انقیاد کشاندن هر چه بیش‌تر جامعه، جلوگیری از رشد اعتراضات کارگری – توده‌ای رادیکال، تقسیم جامعه تحت عنوان "برقراری خاور میانه بزرگ" و همچنین راه‌اندازی دسته‌جات و باندهای مسلح ارتجاعی، به‌منظور کوچاندن محرومان از جامعه خودی و غیره، از زمره مواردی است که به سر تیتیرهای وظایف راه‌اندازان اصلی جنگ سوریه تبدیل گردیده است.

به بیانی دیگر مدت‌هاست که قدرت‌مداران بزرگ، چهره جهان و به ویژه چهره منطقه خاورمیانه را این‌گونه ترسیم نموده‌اند و به بهانه به رسمیت شناختن حقوق شهروندی، بر ابعاد ناهنجاری‌های جوامع متفاوت می‌افزایند. در این میان دو عامل را می‌توان، زمینه‌ساز، و یا به عبارتی در ایجاد چنین بلبشوهائی دخیل دانست. اول این‌که فقر و نداری از سر و کول میلیون‌ها انسان محروم بالا می‌رود و فاصله‌های طبقاتی، شکاف هر چه بیش‌تری بر داشته است و مردم به شدت از دست دولت‌مردان کنونی، و از اوضاع نابسامان اقتصادی کلافه‌اند. دوم این‌که تلاش مدافعان تداوم روابط و مناسبات کنونی بر آن است تا به بهانه برقراری دموکراسی و نابودی دیکتاتورها، به اقتصاد بحران‌زده خود پاسخ دهند و به تبع آن‌ها مانع پای‌گیری اعتراضات و مبارزات رادیکال کارگری – توده‌ای گردند. به گمانی اولی، یعنی نارضایتی عمومی از اوضاع کنونی، حقیقی، واقعی و به‌حق است و همچنین مردم به تجربه دریافته‌اند که می‌توان علی‌رغم زور سازمانیافته نظام‌های خشن و هار، با تحرکات هر چند غیر سازمان‌یافته و آن‌هم بدون رهبری کمونیستی و انقلابی، با دولت‌مردان به‌مخالفت برخاست و جنگید، و دومی، یعنی سرمایه‌داران و دیگر اعوان و انصارشان، به ناحق و خلاف گفته‌هایشان مبنی بر نابودی مستبدین و تأمین آزادی‌ها و دموکراسی، دروغین و به نادرست است، و در عوض و با تمام توان در تلاش‌اند، تا مبادا روزی مسیر جنگ و نزاع انتخابی آنان دچار اخلاص گردد. بر مبنای چنین سیاستی بوده – می‌باشد - که شعله‌های جنگ، و آشوب‌های جوامعی همچون افغانستان، عراق، مصر، لیبیا، سوریه و غیره را بر افروخته‌اند و هزینه‌های بس سنگینی، به جامعه و به کارگران و زحمت‌کشان تحمیل می‌نمایند.

در حقیقت این‌ها نیت واقعی و بخشی از اهداف گردانندگان جنگ‌های کنونی را تشکیل می‌دهد و طبعاً با افکار مردمی کمترین قرابتی نداشته، و بر همین اساس است که بارها و بارها تأکید ورزیده‌اند، جنگ‌های کنونی در خدمت به رهایی و نجات جامعه از شر نظام‌های دیکتاتوری نیست؛ بارها و بارها تأکید ورزیده‌اند که مایل به از دست دادن خانه و کاشانه خود نیستند، و بارها و بارها تأکید ورزیده‌اند که در غبطه روزهای گذشته خوداند. با این اوصاف و با وجود چنین خواسته‌های بدیهی و به‌حقی، منفعت و عاقبت چنین نزاع‌ها و آشوب‌ها، در خدمت به زندگی بهتر آنان و همچنین در جهت سازندگی و شکوفائی جامعه نیست. این جنگ‌ها عواقب بس وخیمی داشته - و دارد - که ماحصل آن را می‌توان در جوامع افغانستان، عراق و غیره به‌عینه مشاهده نمود. در حقیقت نه مردم افغانستان از شر طالبان رها یافته‌اند و در زیر سایه رژیم مردمی و دمکرات گذران زندگی می‌کنند؛ نه اختناق، سرکوب، فقر و نداری از جامعه عراق بعد از «صدام حسین» رخت بر بسته است؛ نه مردم لیبیا به زندگی بهتر و معقول‌تر بعد از سرنگونی «معمر قذافی» دست یافته‌اند، و نه جامعه مصر مزه دمکراسی و آزادی بعد از «حسنی مبارک» را می‌چشد؛ و همچنین نه توده‌های محروم سوریه در روزهای آتی قادر خواهند بود از چنگال بی‌حقوقی و بی‌عدالتی‌ها رهایی یابند؛ به این دلیل روشن که مدافعان حقیقی این نوع جنگ‌ها، سرمایه‌داران بین‌المللی و دیگر دار و دسته‌های مسلح و وابسته‌شان می‌باشند.

پُر واضح است که چنین جنگ‌هایی، جنگ مردمی نیست و مردم کمترین نفعی در بر پائی و در شعلهور شدن آن ندارند. به بیانی دیگر جنگ سازمانیافته و هدایت شده مردمی با دولت‌ها، اگر چه گُشده، تخریب کننده و هزینه‌پرداز است، اما و در عوض، تضمین کننده رهایی از شر نظام‌های دیکتاتوری و قدرت‌مداران بزرگ جهانی است. تاریخ مبارزات پُرثمر و انقلابات کارگری - توده‌نی علیه سرمایه‌داران و استثمارگران حاکم، و به تبع آن‌ها تقسیم ثروت جامعه مابین تولید کنندگان و سازندگان اصلی جامعه، به نوبه خود نمایانگر این واقعیات است که، جنگ‌های انقلابی سازمان‌داده شده از جانب کمونیست‌ها و نیروهای انقلابی، از زمین تا آسمان، با جنگ‌های ضد انقلابی و از نوع جنگ‌های سوریه متفاوت می‌باشد. چرا که نگاه، متد و نوع جنگ‌های انقلابیون با جنگ‌های به راه افتاده تکنونی بسیار و بسیار متفاوت، و همچنین مضموناً و ماهیتاً در مقابل هم قرار دارند. در حقیقت جنگ‌های انقلابی، نه تنها جنگ‌های کور و جنگ‌های ماندن توده‌های میلیونی از جامعه خودی نیست بلکه توده در چنین جنگ‌هایی شرکت فعال داشته و از صحنه انقلاب و مبارزه به دور نخواهد شد.

به رد و بدل شدن، و به خریدهای هنگفت سلاح توسط دولت‌های منطقه از قدرت‌مداران بزرگ جهانی و همچنین به قراردادهای کلان شرکت‌های بزرگ امپریالیستی پیرامون بازسازی بعد از جنگ نگاهی بیندازیم، تا بهتر به عمق، و به ماهیت چنین جنگ‌هایی پی ببریم. سؤال این است که آیا کویت توانسته است به سرمایه و به اندوخته‌های قیل از اشغال و جنگ باز گردد؟ آیا نداری و دغدغه مردم بی‌دفاع افغانستان کاهش یافته است و آیا عراق به کشور امنی تبدیل گردیده است و مردم آن، طعم زندگی نسبی را می‌چشند؟ آیا پرچم دمکراسی و آزادی در سرتاسر لیبیا بر افراشته شده است و آیا در جامعه مصر، خبری از دیکتاتوری و به بند کشیدن کارگران و زحمت‌کشان نیست؟ آیا در سوریه کمترین تضمینی از آسایش زندگی مردم وجود دارد؟ و ...

نیازی به حدس و گمان، و نیازی به تعمق آن‌چنانی پیرامون فهم اوضاع سیاسی - اقتصادی کشورهای جنگ‌خیز منطقه خاورمیانه نیست. در حقیقت ثمره و نتایج مخرب جنگ‌های به راه افتاده تکنونی از جانب امپریالیست‌ها، مانع هرگونه استنتاجات و ارزیابی‌های نادرست است. گرانی و گُشتار هزاران انسان بی‌دفاع، تخریب خانه و مدارس کودکان و آواره نمودن میلیونی توده فقیر، بر این واقعیات صحه می‌گذارد که این، جنگ امپریالیست‌ها، دولت‌ها و نیروهای وابسته‌شان می‌باشد و فقط و فقط آنان، در تداوم آن ذینفع‌اند. غم‌انگیزی و اثرات مخرب این نوع جنگ‌ها، اصلاً و ابداً هم قابل توصیف نیست و بدون کمترین شک و شبهه‌ای بر شانه‌های نسل‌های بعدی و آن‌هم در عرصه‌های متفاوت سنگینی

خواهد کرد. اساساً جنگ‌های امپریالیستی از چنین خاصیتی برخوردارند و مسلم است که، مقصود گردانندگان آن، به‌جان هم انداختن مردم جوامع متفاوت می‌باشد؛ نفع و سودشان در ایجاد بلبشو و در تخریب هر چه بیش‌تر زیر ساخت‌های جوامع سوخته است و توده در این‌میان، نفعی ندارد و به‌عنوان بازنده اصلی به حساب آمده و خواهد آمد.

با این اوصاف یگانه نجات مردم از چنین باتلاق‌های جان‌گیر و پُر تلافی، در تغییر آن و آن‌هم به سمت جنگ‌های انقلابی است. تنها با چرخش سازمان‌یافته کمونیستی از چنین جنگ‌هایی است که می‌توان آرامش مردمی را تضمین نمود و جامعه را از شر دیکتاتورها و از مصائب دست‌ساز ظالمان و امپریالیست‌ها نجات داد. به کلامی، طبقه سرمایه‌داری اصلاً و ابداً از شعله‌ور شدن چنین جنگ‌هایی، ترس و واهمه‌ای ندارد و می‌داند که در خلاف روابط و مناسبات موجود نیست؛ می‌داند که در خدمت به برداومی هر چه بیش‌تر نظام‌های سرمایه‌داری است و می‌داند که دود آن به چشم مردم خواهد رفت. زمانی هراس سراپای وجودش را فرا خواهد گرفت که شعله‌های جنگ انقلابی بر افروخته شود؛ جنگی که از جانب کمونیست‌ها سازمان‌دهی شده است؛ جنگی که نه تنها کارگران و زحمت‌کشان از راه‌اندازی آن کلافه و فرسوده نمی‌شوند بلکه در صف مقدم آن قرار خواهند گرفت؛ جنگی که با دخالت‌گری‌های فعال و مستقیم آنان مضمون واقعی خود را باز یافته و جامعه را به مسیر سازندگی و شکوفائی سوق خواهد داد. این آن جنگی است که ما در شرایط کنونی شاهد آن نیستیم، و این آن جنگی است که کمونیست‌ها و مدافعین کارگران و زحمت‌کشان مدافع آن‌اند، و این آن جنگی است که کارگران در پس زدن دیکتاتورهای همچون «بشار اسد»، با دل و جان به میدان خواهند آمد و پیشاپیش و با دیگر زحمت‌کشان و محرومان، به جنگ با ضد انقلابیون و حامیان ریز و درشت سرمایه‌داران بر خواهند خاست؛ و این آن جنگی است که توده برنده از آن بیرون بدر خواهد آمد و دست منفعت‌طلبان و باندهای ارتجاع و مسلح‌شان را از جامعه کوتاه خواهد نمود.

جون ۲۰۱۳

تیر [سرطان] ۱۳۹۲

پیام سیاه‌کل شماره هفده – سازمان نوزده بهمن